

بررسی و نقد کتاب مدخل شعر معاصر فارسی (۱۳۹۲-۱۳۸۵)  
تألیف شهریار خسروی، ناشر: فاطمی ۱۳۶۹ / ۳۳۰ صفحه.

محمود بشیری<sup>۱</sup>

مقدمه:

کتاب مدخل شعر معاصر فارسی از آقای شهریار خسروی، فارغ از معیارهای علمی- پژوهشی و صرفاً به دلیل سن و سال مؤلف جوان آن، وفق مشخصات شناسنامه کتاب، می‌تواند درخور اعتنا و توجه باشد. کسی که در چنین سنی دست به قلم برده و دربارهٔ مباحث مهم ادبی پر مناقشهٔ حدفاصل جنبش مشروطیت تا دوره‌های بعد از انقلاب اسلامی بحث و فحوص کرده است، از منظر این قلم، شگفت آور و تحسین برانگیز است و می‌تواند طلیعهٔ کارهای ادبی بیشتر، بهتر و نیز نوید آینده‌ای درخشان از وی باشد، ولیکن به لحاظ علمی-پژوهشی و فارغ از سن و سال مؤلف و نیز با توجه به سوابق و لواحق مربوط به بحث شعر معاصر فارسی -که پژوهندگان بسیاری در این عرصه پر سر و صدا و شلوغ و با بازاری داغ، قدم و قلم زده و فرس رانده و پاره‌ای از آنان نیز از تک و تا فرومانده‌اند- بدون تعارفات معمول، باید گفت که این اثر به هیچ روی، قابل اعتنا و بررسی نیست. در این باره البته گفتنی‌ها و نکته‌هایی است که مطابق کاربرد ارزیابی، در ادامه گفته خواهد شد.

۱. معرفی و توصیف اثر:

مطالب کتاب مدخل شعر معاصر فارسی به‌طور کلی در سه بخش تبویب، تنظیم و تدوین شده است. مؤلف قبل از پرداختن به بخش اصلی کتاب، مطالبی در شانزده صفحه شامل فهرست مطالب اثر و نیز صفحاتی به‌عنوان مقدمه نوشته و در آن سبب تألیف کتاب خود را توضیح داده و پاره‌ای از ویژگی‌های آن را برشمرده و در ادامهٔ بحث خود دربارهٔ چگونگی خواندن کتاب نیز مطالبی را به خواننده یادآوری کرده است.

بخش اول کتاب شامل مباحثی کلی تحت عنوان «روایت معیار شعر معاصر فارسی» است که در آن؛ دربارهٔ بیداری ایرانیان؛ پیدایش آگاهی تاریخی در اروپا و روی‌گردانی مردم از کلیسا؛ جدایی نهاد حکومت از کلیسا و نیز همسان‌سازی تاریخ تحولات ایران با مسائل سیرتاریخی تحولات اروپا بحث می‌شود که می‌توان گفت، این نوع همسان‌سازی نوعی قیاس مع‌الفارق است و بر هم منطبق نیستند. بعد از این مباحث ناهمگون، مؤلف در نهایت، تاریخ ایران را به سه دوره

<sup>۱</sup> دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی .

باستان، دوره میانه (ایران اسلامی تا پیش از مشروطه) و دوره جدید، صورت‌بندی و طبقه‌بندی می‌کند و متعاقب آن، بحث از سبک‌های ادبی از خراسانی گرفته تا مکتب بازگشت، مشروطه، شعرنو و مشکلات مربوط به آنها را طرح می‌نماید که در این خصوص باید گفت مؤلف، مطلب درخوراعتنایی در این بخش از کتاب ارائه نمی‌کند و بیشتر مطالب کتاب، تقریباً همان مباحث و مطالبی است که پیش از این در آثار متعدد دیگر نیز مطرح شده است.

بخش دوم کتاب درباره «جریان‌شناسی شعر معاصر فارسی» است و مطالب این بخش در سه فصل با این عناوین تنظیم شده است: فصل اول: محافظه‌کاران (پیشانیمایی‌ها) و ملحقات آن؛ فصل دوم: نیمایی‌ها و مباحث مترتب بر آنها و شاخه‌های آن؛ فصل سوم: رادیکال‌ها یا جریان‌های مدعی نوگرایی؛ بخش سوم کتاب که یک مرور تاریخی است، از دید و نظر مؤلف، در آن مباحثی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی بین سال‌های ۱۲۸۵ش تا ۱۳۹۲ش بیان شده است.

## ۲. ارزیابی شکلی اثر:

کتاب به لحاظ شکلی و فنی تا حدودی شکیل و مناسب، چاپ و منتشر شده است همچنین کتاب، فاقد طرح خاصی بر روی و پشت جلد است و سبب آن را نیز مؤلف توضیح داده و در این باره در صفحه نه نوشته که قصد قضاوتی خاص نسبت به شاعر یا شاعرانی نداشته است و بدین سبب، عکس و نشانه‌ای از شاعران، بر روی و پشت جلد ارائه نشده است. قطع کتاب رقعی و حجم آن معقول و پذیرفتنی است. صحافی کتاب خوب است. نوع کاغذ کتاب گاهی است و هرچند که برای صرفه جویی درخصوص کاغذ، این امر صورت گرفته و همین هم، امر مهمی است ولیکن برای خواننده چشم‌نواز نیست و نیز نوع و اندازه قلم کتاب به گونه‌ای غیرحرفه‌ای است، میل و رغبتی درخواننده برای خواندن آن ایجاد نمی‌کند و جنبه دافعه آن بیش از جاذبه آن است.

کتاب به لحاظ ویرایش ادبی و علائم سجاوندی، رعایت قواعد نگارشی و ویرایشی، مشکل خاصی ندارد. البته باید گفت که ارجاع دهی کتاب به لحاظ درون متنی ایراد دارد و یکدست نیست. در پاره‌ای موارد، منابع، ذکر نشده است و در مواردی که ذکر شده است، معمولاً ناقص است و صفحات منبع کتاب ذکر نشده است؛ مثل صفحه ده کتاب و ارجاع دهی درباره شعر مهدی اخوان ثالث (زمستان، ۱۳۳۵) که صفحه شعر یاد شده، ذکر نشده است.

همچنین در صفحه ۳۴ (رشید یاسمی، ۱۳۱۶) که همین‌گونه است و مأخذ، فاقد صفحه است. در صفحه ۵۷ (گریه‌های امپراطور، ۱۳۸۳)، صفحه ۷۰ (گزارش به نسل بی نسل فردا، ۱۳۷۴)، صفحه ۷۱ مقاله علی محمدحقوق‌شناس (نیمای غزل، ۱۳۷۰) و نمونه‌های دیگری که در آنها به هیچ‌روی صفحه منابع ذکر نشده است.

نکته‌ای که به لحاظ شکلی درباره این اثر گفتنی است، این است که کتاب دارای کتابنامه و نیز نمایه است که این امر به‌عنوان نقاط قوت کتاب تلقی می‌شود همچنین مؤلف در پایان هر فصل، منابعی که برای خواننده علاقه‌مند، خواندن آنها لازم است، ذکر کرده است. علاوه بر این، ساختار کتاب به لحاظ تبویب و تنظیم مطالب دارای به هم‌ریختگی است و

به همین سبب این کتاب هیچ کمکی به درک خواننده نسبت به مباحث مطروحه نمی‌کند و خواننده نمی‌تواند تصویر یا تصویری کلی از کتاب در ذهن خود داشته باشد.

### ۳. تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر

این کتاب را به‌طور کلی می‌توان به‌عنوان یک اثر سطحی در نظر گرفت و آن را برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی به‌عنوان یک کتاب درسی نمی‌توان چندان مفید دانست و لیکن با تسامح و اغماض، شاید بتوان آن را به‌عنوان یک اثر کمک درسی تلقی کرد. بخش نخست کتاب از یک مقدمه هفت صفحه‌ای و نیز تکمله‌ای هشت صفحه‌ای تشکیل شده و مؤلف در آنها سبب تألیف کتاب را به طویل توضیح داده است (صفحه هفت و هشت کتاب) و از این توضیح می‌توان وزانت اثر را سنجید و ماهیت و ارزش آن را تا حدودی دریافت. مؤلف در این مقدمه یادآور شده است که وقتی که دانش‌آموز بوده، در المپیاد ادبی شرکت می‌کرده و بعدها که مدرس داوطلبان المپیاد ادبی شده، دریافت است که در خصوص شعر معاصر فارسی کتابی «منسجم»، «جامع» و «بی‌طرف» در دسترس دانش‌آموزان وجود ندارد و بر سر هیچ مفهومی از مفاهیم شعر معاصر فارسی هم اجماعی نیست و محققان هم تصویر روشنی از کلیت موضوع ندارند و نیز با مبانی آن آشنا نیستند و به همین سبب برای آشنایی داوطلبان المپیاد ادبی، مؤلف جزوه‌ای نوشت و آن جزوه در اندک زمانی بین داوطلبان دست به دست گشت و این کتاب همان جزوه‌ای است که اکنون پیش روی شماست.

به‌عنوان یک ایراد اساسی در خصوص این اثر، اکنون پرسش این است که کتابی که صرفاً برای مسابقات المپیاد ادبی دانش‌آموزی نوشته شده است، می‌تواند به‌عنوان اثری پژوهشی اصیل همانند دیگر آثار ادبی در شورای بررسی متون بررسی و داوری شود؟ در واقع، مسئله‌مندی مؤلف در خصوص این اثر، تألیف کتابی است که مناسب شرکت‌کنندگان مسابقات المپیاد ادبی دانش‌آموزی باشد، نه اینکه نیاز علمی و پژوهشی دانشجویان رشته زبان و ادبیات کشور را، که از جمله اهداف ارزیابی آثار توسط شورای بررسی متون است، برآورده سازد.

نکته دیگری که در خصوص محتوای این اثر، قابل گفتگوست، مسئله روش و شیوه ارائه و افاده مطالب کتاب است که مبتنی بر انسجام درستی نیست. در واقع یکی از مباحث مربوط به این کتاب در خصوص ایراد و اشکال آن همین مسئله انسجام و عدم انسجام آن است. مؤلف در مقدمه اثر نوشته است که متوجه شده کتابی درباره شعر معاصر فارسی که «منسجم»، «جامع» و «بی‌طرف» باشد، موجود نیست. فهم و درک نخستین خواننده از این ادعای مؤلف این است که این خصوصیات را در آثار تألیف شده دیگران نمی‌یابید ولیکن در اثرم می‌توانید بیابید، در حالی که به هیچ وجه این‌گونه نیست.

یکی دیگر از ایرادات اساسی این کتاب آن است که در پاره‌ای مباحث کتاب، مؤلف نمی‌داند که مطلب را چگونه و از کجا آغاز کند و به همین سبب، آغاز مباحثی از بخش‌هایی از کتاب بدون تمهید مقدمه و فاقد طرح مباحث اولیه به عنوان زمینه چینی مطالب اصلی است، مثل مطالب آغازین (صفحه ۴۱) و بعد آن، مربوط به سبک بازگشت، که در آن، مطالبی درباره اروپای قرون وسطی با مردم آمیخته با اقوام وحشی و... مطالبی دیگر ذکر می‌شود که معلوم نیست این

مطالب چه ربطی با بحث مورد نظر درباره سبک بازگشت و ادبی دارد و طرح همین مطالب زائد نیز سبب شده است که انسجام مطالب کتاب دچار خدشه گردد. البته در همین صفحه ۴۱ خود اصل بحث مربوط به سبک بازگشت نیز محل بحث و مناقشه است و مطالبی که مؤلف درباره آن بیان کرده، قابل پذیرش نیست. اینکه شاعران همه بی سواد بوده‌اند، مصداق دقیق درخصوص شاعران بازگشت ندارد، بلکه برعکس، اکثر شاعران این دوره از فرهنگ ادبی و پشتوانه فکری و فرهنگی قوی‌ای برخوردار بوده‌اند. با این حال، درخصوص احیای سبک بازگشت باید گفت که یک عامل مهم احیای آن، احیای شکل سیاسی همانند و مشابه حکومت دوران غزنوی و سلجوقی در این دوره توسط شاهان قاجار بود و همین امر نیز سبب شد که نوع ادبی متناسب با این نوع شیوه سیاسی نیز احیا گردد. به هر روی، مطالب نادرست و زائد در این کتاب کم نیست؛ مثل مطالب صفحات ۲۵۲ تا ۲۸۳ که به طور کلی زائد است.

یکی دیگر از علل عدم انسجام مطالب در این اثر مسئله تبویب و تنظیم نادرست مطالب کتاب است. این امر بیشتر در بخش سوم خود را نشان می‌دهد که این موضوع با ادعای مؤلف که در (صفحات نه و ده) مقدمه کتاب ذکر شده، منطبق نیست؛ مؤلف در این صفحات مدعی می‌شود که کتابش با آثار تألیفی مشابه دیگران در این حوزه تفاوت دارد: ۱- رویکرد اثر مانند آثار دیگران ارزشی نیست و مؤلف نسبت به هیچ شاعری قضاوت نکرده است؛ ۲- تمرکز کتاب به جای شاعر بر ایده‌هاست؛ ۳- همین تمرکز بر ایده‌ها سبب شده که به جریان‌های شعری براساس ترتیب تاریخی یا «در زمانی» نپردازد، بلکه می‌خواهد صورت‌بندی مفهومی از جریان‌های تاریخی شعر معاصر فارسی به دست دهد.

مؤلف، متأسفانه به این سه عاملی که به‌عنوان تفاوت اثرش با آثار دیگران برشمرده، وفادار نمانده است و در اکثر صفحات کتاب، خصوصاً ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴ و... به مسائل تاریخی به‌طور مفصل و گاه بی‌ربط می‌پردازد و باید گفت که طرح مباحث تاریخی مبتنی بر مسائل سیاسی و اجتماعی بدین شکل و میزان، شاید در کتاب لازم نباشد و اگر هم بناست که ذکر گردد باید مختصر و مفید آورده شود و به صورت مرتبط با مباحث ادبی باید طرح گردد و در واقع، از مباحث سیاسی و تاریخی لازم است که به‌عنوان یک مرجع استنادی برای مباحث ادبی استفاده شود. ولیکن این‌گونه نیست و مؤلف با طرح گسترده مسائل سیاسی و تاریخی، هدف و ایده خود را از تألیف کتاب از یاد می‌برد و به مباحث خسته‌کننده تاریخی می‌پردازد و این امر در بخش سوم کتاب که کلاً تاریخی است، نسبت به بخش‌های دیگر برجسته‌تر است. به هر روی، ابهام در روش و نیز نداشتن ساختار منسجم سبب شده است که خود مؤلف در آغاز کتاب (در صفحات پانزده و شانزده) توضیح دهد که خواننده چگونه این کتاب را بخواند و بفهمد. مؤلف پیشنهاد می‌کند که خوانندگان ابتدا فصل آخر را یعنی بخش سوم کتاب را بخوانند و بعد از آن به سراغ بخش‌های دیگر بروند و این پیشنهاد مؤلف نیز البته پیشنهاد عجیبی است و همان به هم ریختگی و عدم انسجام مطالب کتاب را تأیید می‌کند.

نکته پایانی درباره این کتاب که گفتنی است، این است که پاره‌ای مباحث کتاب خوب است؛ مثل مطالبی که از صفحه ۲۴ به بعد در خصوص تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی شعر و شاعران محافظه کار، شعر نیمایی و شعر رادیکال مطرح شده است و در این خصوص البته لازم به یادآوری است که سابقه طرح مباحثی این‌گونه و مبتنی بر طبقه‌بندی، به خیلی پیش‌تر از اینها، در مجلات و نشریات دهه شصت و هفتاد مثل مجله «ایران فردا» برمی‌گردد که در آن نشریه، طی سلسله

مقالاتی از این نوع مطالب و با این شیوه تقسیم‌بندی را یوسفی اشکوری چاپ و منتشر کرد و بعدها در نشریه «بیان» نیز همین مطالب در دو یا سه شماره به صورت تکراری انتشار یافت.